

سنجش میزان مرجعیت‌گرایی دینی و خوداتکایی دینی (مطالعه دو نسل پس از انقلاب اسلامی-گروههای سنی ۱۵ تا ۳۰ و ۵۰ تا ۶۵ سال)

مسیح علی‌پور^۱، حسن محدثی‌گیلویی^۲،
الله کرم کرمی‌پور^۳

چکیده

موضوع این مطالعه بررسی تغییرات ارزشها، نگرش‌ها و روشهای دینی از طریق سنجش میزان خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی در امور دینی نسل حاضر و نسلهای اولیه بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ است. فرضیه‌های تحقیق که از دیدگاههای نظری مرتبط با خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی استخراج شده‌اند، با استفاده از داده‌هایی که به روش پیمایشی گردآوری شده آزمون شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۹۲ نفر از دو گروه سنی ۵۰ تا ۶۵ سال و ۱۵ تا ۳۰ سال شهروندان شهرهای قم و تهران هستند که در سال ۱۳۹۶ با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان‌دهنده این هستند که بین طیف خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی دینی در دو گروه مطالعاتی که به نوعی نسل اول و سوم انقلاب محسوب می‌شوند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در شاخصهای مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در مناسک دینی، گرفتن فرمانهای دینی، انعطاف دینی، اخلاق، پذیرش ادیان، مرجعیت سنت یا عقلانیت و اخذ اطلاعات نیز در میان دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار هست؛ به این معنا که نسل اولیه بعد از انقلاب، مرجعیت‌گرایی بیشتری در امور دینی داشته و نسل کنونی مرجعیت‌گرایی کمتر و خوداتکایی بیشتری در امور دینی دارد.

واژه‌های کلیدی

مقایسه، مرجعیت‌گرایی دینی، خوداتکایی دینی، انقلاب ۱۳۵۷، نسل اول و سوم

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۰۲

alipuor@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول)

mohaddesi2011@gmail.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دین واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

karamip49@gmail.com

۳. استادیار گروه دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم، ایران

۱. بیان مسئله

آغاز قرن بیستم با تحولات فنی و جمعیتی از جمله سرعت گرفتن روند صنعتی شدن کشورها، گسترش روزافزون شهرها، مهاجرت روستاییان به شهرها، تسریع جریان توسعه و نوسازی کشورهای جهان سوم، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، تغییرات شهرنشینی، افزایش تحصیلات، انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، تنوع نهادهای اجتماعی و جهانی شدن فناوری و فرهنگ همراه بوده است. این تحولات مرزهای جغرافیایی را درهم‌شکسته، معادلات زمانی و مکانی گذشته را به هم ریخته و موجب فشردگی فاصله‌ها شده و نسل جدید را در معرض فرهنگ‌های مختلف و متنوعی قرار داده‌اند. فناوری جدید اطلاعاتی، اینترنت، ماهواره‌ها و امواج به‌راحتی حصارها را درنوردیده و با شکستن مرزها و نفوذپذیرساختن آنها، معادلات زمانی و مکانی پیشین را به هم زده و جای خود را در زندگی انسان محکم کرده‌اند. جامعه کنونی ایران نیز از این طریق به دنیای جدیدی وارد شده است. در نتیجه، این جامعه، جامعه مرجع‌گرای قبلی نیست، بلکه افق جدیدی پیش چشمان انسان امروزی گشوده شده است که با دانش و مهارت استفاده از فناوری، به‌صورت فردی و مجزا می‌تواند با کسب آگاهی و آموزش، در جهت کیفیت زندگی خود قدم بردارد. از این‌رو نوعی تفاوت ارزشی، هنجاری و رفتاری بین نسل جوان و نسل‌های قدیمی‌تر وجود دارد و در روابط بین اعضای این دو نسل به‌خوبی این تفاوتها نمایان می‌شوند. این نوع رابطه میان‌نسلی با هر عنوانی که خطاب شود، به معنای اختلاف فکری، ارزشی، سلیقه‌ای و رفتاری‌ای است که بین نسل‌های جوان از یک سو و نسل‌های بزرگتر از دیگر سو پدیدار شده است.

چون این پژوهش درصدد مطالعه تغییرات در باب مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی دینی است، از این زاویه وارد بحث می‌شویم که آیا تغییرات اجتماعی و فرهنگی باعث می‌شوند که دینداری جوانان و نسل‌های بعدی با نسل قبلی متفاوت باشد. در این مورد نیز متفکران اجتماعی و دینی نظریات متفاوتی دارند. یک نظریه این است که دین در عصر کنونی در محاصره فناوری قرار گرفته و هر روز این محاصره تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دنیای آینده دنیایی فارغ از تقیدات دینی خواهد بود. نظریه دیگر این است که دین در حال توسعه است و انسان‌های متدین روزبه‌روز بیشتر می‌شوند و در نتیجه، دین در جهان گسترش پیدا کرده و جامعه متدینان در حال افزایش است. نظریه بینابینی نیز در این خصوص وجود دارد. برخی معتقدند شیوه دینداری جامعه جدید متحول می‌شود. در این پژوهش می‌خواهیم دریابیم که آیا ویژگی‌های

دینداران در جامعه ایران نیز از نظر مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی دینی در حال تغییر است. فهم این تغییر، مسئله مهم این پژوهش است. برای همین منظور تصمیم گرفته شد با یک آزمون تجربی کمی در میان دو گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ و ۵۰ تا ۶۵ سال، به‌عنوان دو نسل متفاوت در شهرهای قم به‌عنوان یک شهر سنتی و به‌اصطلاح دینی و تهران به‌عنوان یک شهر غیرسنتی بررسی کنیم که آیا از این نظر، این تحول در جامعه ما رخ داده است یا نه.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

بر پایه تحلیل‌های نظری، دینداری یکی از حوزه‌های اصلی‌ای است که در جوامع درحال‌گذر دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود. با توسعه نهادهای مدرن در جوامع درحال‌توسعه، نه تنها نسبت نهاد دین با دیگر نهادهای اجتماعی دستخوش تحول می‌شود، بلکه مجموعه آگاهیها همراه با نهادهای مدرن، سطح و شیوه دینداری افراد را نیز تغییر می‌دهند (برگر، ۱۳۸۷: ۱۰۷). مسئله تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی، با اتخاذ رویکردی کلان، بیشتر بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن، از طرف اندیشمندان زیادی در غرب مطرح و تأکید شده است (دورکیم، ۱۳۸۱؛ اینگلهارت، ۱۳۸۲ و برگر، ۱۳۸۷). جوانان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و منحصربه‌فرد خود بیشتر در معرض فرایندهای تغییر قرار می‌گیرند و زودتر از نسل بزرگسال دچار تغییر می‌شوند و در اثر این تجربه نسلی متفاوت، ارزشها و نگرشها و جهت‌گیری‌های متفاوتی را در مقایسه با نسل بزرگسال در برابر ابژه‌های مختلف بروز می‌دهند. امروزه نسل پیشین وقتی می‌بیند که جوانان فعلی دیدگاهها و انتخابهای متفاوتی در قیاس با جوانان دیروز دارند، با این دلهره مواجه‌اند که مبدا نسل جدید دستاوردها و زحمات و تجربیات آنان را به باد دهد. بر این اساس انتظار می‌رود به لحاظ سطح دینداری و نوع گرایشهای دینی، بین دو نسل بزرگسال و جوان در این جوامع تفاوت وجود داشته باشد (ن.ک.: طالبان، ۱۳۸۹؛ ربانی و صفایی‌نژاد، ۱۳۸۴ و معیدفر، ۱۳۸۳). نسلهای مختلف موقعیت‌ها، رویدادها و وضعیت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند و از این‌روست که ابژه‌های نسلی خویش را نیز دارند. به‌ویژه رخدادهای مهم اجتماعی و اقتصادی مانند جنگ، انقلاب و جنبش‌های سیاسی، تفاوت‌های نسلی را تشدید می‌کنند؛ زیرا این رخدادهای کلیت حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه را متأثر می‌سازند و از این‌رو نسلهایی که آنها را تجربه می‌کنند، در نوع نگرش، گرایش و الگوهای تفسیری با نسلهای پیش و بعد از خود تفاوت‌های جدی دارند. ایران پس از انقلاب ۵۷ نیز رخدادهای مهمی را تجربه کرده که تجربه زیسته متفاوتی را برای نسلهای مختلف آن رقم زده است. با توجه به اینکه تا کنون مطالعه تجربی‌ای با عنوان مستقل خوداتکایی دینی در ایران انجام نشده است و

مطالعات در این خصوص، همه در حوزه نظری بوده‌اند و به صورت پراکنده به برخی از موضوعات مربوط به تغییرات دینداری پرداخته‌اند، همین امر ما را بر آن داشته است تا برای ارائه تصویری واقع‌گرایانه از روند تغییر نسلی و تحولات دینداری دو نسل، همگام با تغییرات فناوری و اجتماعی و فرهنگی، تحقیق و پژوهش کنیم.

۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات مربوط به خوداتکایی دینی در ایران بسیار نادرند و شاید بتوانیم بگوییم که جز در خصوص نظریه‌پردازی و یک تحقیق کیفی در موضوع خودمرجعی در اصفهان، تحقیق مستقلی دیده نشد. البته در میان تحقیقات مربوط به دینداری، در برخی از پژوهشها به موضوع دینداری فردی و دینداری غیرمناسک‌گرا و اشکال دیگر دینداری اشاره شده است و می‌توانیم به نحوی از نتایج این پژوهشها، افزایش خوداتکایی دینی را در میان نسلهای جوانتر دینی استنباط کنیم. اسدی (۱۳۹۰) در پژوهشی به مطالعه انواع دینداری زنان می‌پردازد. او نشان می‌دهد که بعد از انقلاب، به دلیل تحولاتی که در عرصه‌های مختلف جامعه رخ داده، نگرش‌های متفاوتی درباره مسائل دینی در نسل جدید رواج یافته‌اند و دینداری اخلاق‌مدارانه (دینداری‌ای که در آن اخلاق و التزام به آن، به انجام مناسک و نیز پایبندی به شریعت برتری دارد)، در بین جامعه مورد مطالعه به صورت آشکاری افزایش داشته است. فراستخواه (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تغییر الگوهای دینداری»، با در نظر گرفتن تغییرات جمعیتی و نسلی معتقد است که نسل کنونی بیش از دو قطب دینداری سنتی - محافظه‌کار و دینداری ایدئولوژیک - انقلابی که در دهه ۵۰ داشتیم، نوعی از دینداری را ترجیح می‌دهد که عرفی‌تر، منعطف‌تر، مدنی‌تر، اخلاقی‌تر و عقلانی‌تر است. بین این نسل، بخشی ممکن است در واکنش به دین دولتی، به دین شخصی و اقتضایی گرایش پیدا کنند، یا مواردی مانند ایمان قلبی و معنویت عرفی را به جای مناسک و شریعت قبول کنند.

حسن‌پور و معمار (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع به این موضوع پرداختند. این مطالعه به شناسایی و تفسیر نوع خاصی از دینداری در بین جوانان شهر اصفهان پرداخته است. نتایج یافته‌های تحقیق بیانگر آنند که با تأکید بر معیار «خودتشخیصی»، افراد دیندار به نوعی خاص از دینداری با عنوان دینداری «خودمرجع» گرایش پیدا کرده‌اند و دینداری جوانان در این روش به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی تبدیل شده است و به سمت امری اقتضایی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند. پژوهش مذکور در خصوص

خودمرجعی است، در حالی که خودمرجعی با خوداتکایی دینی تفاوت دارد. این مطالعه به صورت کیفی در باب دینداری خودمرجعی انجام شده و نمونه‌های آن اندک‌اند و حصول اشباع نظری در آن جای پرسش است.

با توجه به موضوع پژوهش، دریافتیم که مطالعه تجربی با عنوان مستقل خوداتکایی دینی در ایران انجام نشده است. بقیه پژوهشهایی که در این زمینه موجودند، یا مطالعات نظری‌اند، یا اینکه در خلال مطالعات دیگر به موضوعاتی اشاره شده است که شاید بتوانیم آنها را زیرمجموعه خوداتکایی دینی محسوب کنیم؛ از جمله دینداری فردی، دینداری غیرمناسک‌گرا و دینداری قلب‌پاکانه. این مطالعه، به عنوان اولین مطالعه تجربی، آن هم به صورت کمی، تلاش می‌کند برای ارائه تصویری واقع‌گرایانه از نوع تغییر دینداری و با تأکید بر پدیده‌های خرددامنه مانند خوداتکایی دینی به جای پدیده‌های پهن‌دامنه، خلأ تحقیقات در باب این موضوع را تا حدی برطرف کند.

۴. مبانی نظری

اگرچه خوداتکایی پدیده‌ای است که در جهان مدرن و زیست مدرن ریشه دارد و در درون چنین جهانی رواج و رونق یافته است، ریشه‌های آن را به عنوان پدیده اجتماعی در حال تکوین می‌توانیم در تشکیلات دینی پروتستان‌ها پیدا کنیم که مقام اسقفی را حذف کردند و به جای آن کلیسا را با هیئتی منتخب از کشیشان و افراد غیرروحانی اداره نمودند و اینچنین دست دیندارانی را که به طبقه روحانیت متعلق نبودند، در اداره امور دین باز کردند و دیانت را از انحصار کشیشان بیرون آوردند و امور کلیسا را تعمیم بخشیدند (امر، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۴۳). همین‌طور در عصر روشنگری^۱ که کانت در پاسخ به پرسش روشنگری چیست، متنی نوشت که بعداً مبنایی برای مباحث پر دامنه‌ای در خصوص روشنگری شد. وی روشنگری را خروج انسان از قید قیومیتی می‌داند که به دست خودش بر او تحمیل شده است: «خروج آدمی از نابالگی به تقصیر خویشتن خود». او در توضیح این تعریف، نابالگی را ناتوانی از استعمال فهم خود بدون تکیه بر دیگری تلقی می‌کند و شعار روشنگری را این می‌داند که «جرئت به کارگیری فهم خود را داشته باش.» کانت در این مقاله ادعان می‌کند که انسانها بالذات متفکرند، اما در طول زمان از آن سرشت ابتدایی‌شان فاصله گرفتند؛ بنابراین مفهوم «خوداندیشی» را مطرح می‌کند. خوداندیشی‌ها کسانی هستند که از قواعد و احکام از پیش معلوم شده پیروی نمی‌کنند و با

بکارگرفتن فهم خویش، به خوداندیشی در امور جهان می‌پردازند. از نظر کانت، «خوداندیشی» غایت هستی انسانی به شمار می‌رود و از این‌رو هر چه با آن مخالفت کند، اعتباری نخواهد داشت؛ چراکه معیار سنجش آنچه به‌عنوان قانون بر مردم وضع می‌شود این است که آیا آن مردم هرگز خود چنان قوانینی بر خود وضع می‌کردند. به اعتقاد کانت، «خود اندیشیدن» اصل بنیادین روشنگری است (کانت، ۱۷۸۳: ۲).

در عصر روشنگری، روشنگران «دین‌ستیز» نیستند، اما طرفدار محدود ساختن نقش دین به مسائل عبادی و فروچیدن دامن روحانیان کلیسا از پیکر جامعه و سیاست‌اند. از نظر روشنگران، روحانیان کلیسا خود را قیّم مردم می‌دانند و به تعبیر کانت، مردم را موجوداتی نابالغ می‌انگارند که باید به جای آنان بیندیشند و برای آنان تصمیم بگیرند. جنبش روشنگری در رویکرد به خرد و در نگرش به انسان به‌عنوان موجودی خردمند، خوداندیش و دارای اختیار و حق، راه دیگری را برای انسان و جهان گشود. روشنگری ستیز آشکار با دین را وجهه همت خود قرار نمی‌دهد، اما با ساختن رقیبان جدی برای دین و قراردادن آنها به جای دین، عملاً ظریف‌ترین و در عین حال شدیدترین رویارویی را با دین تمهید کرده است (سروش، ۱۳۸۸: ۹۲). می‌توانیم بگوییم که در عصر روشنگری، اولین جرقه‌های خودتکایی با توجه به تشویق مردم به یادگرفتن اینکه خودشان از فهمشان برای رهایی از قیّمومیت متولیان رسمی بهره بگیرند شکل گرفت.

این ویژگی نیز در عصر مدرن متأخر ادامه پیدا کرده و عمومیت بیشتری یافته است. غالب متفکران از تحول دینداری و زیست دینی در جهان مدرن سخن گفته‌اند. البته مدرن شدن لزوماً منتهی به بی‌دینی نمی‌شود؛ یعنی می‌توان هم مدرن بود و هم دیندار زیست. برگر^۱، از جامعه‌شناسان برجسته غربی، به شکل‌گیری جریانی که در آن مدرنیته الزاماً با دینداری مخالف نیست کمک ارزشمندی کرده و از این لحاظ منشأ تحولات و نگرش‌هایی جدید در جامعه‌شناسی است. برگر در جامعه‌شناسی معرفت خود به مسئله آگاهی می‌پردازد و بستر آگاهی را مدرنیته می‌داند (برگر، ۱۳۸۱: ۱۷). وی به تغییرات فرایند نوسازی آگاهی در دوران مدرنیته توجه می‌کند. «جامعه مدرن را جامعه‌ای متکثر و چندگانه می‌داند که تکثر آگاهی معرفتی و نظام‌های ارزشی را نیز در پی دارد. از این‌رو در جامعه مدرن، دیگر نمی‌توانیم از یک نظام نمادین فراگیر سخن بگوییم که همه بخش‌های گوناگون جامعه و زیست-جهان‌های متنوع را تحت پوشش خود قرار دهد. به همین دلیل است که پیتر برگر از جهان‌های خرد^۲ در جامعه

1. Peter Ludwig Berger

2. Sub-World

مدرن سخن می‌گوید و معتقد است که نه تنها دین دیگر نمی‌تواند به‌عنوان یک نظام نمادین فراگیر وجود داشته باشد که اساساً سخن‌گفتن از نظام نمادین فراگیر چندان معنادار نیست. بدین ترتیب، دین امکانات انحصاری خود را از دست می‌دهد. زندگی مدرن شهری تجربهٔ چندگانگی را ذاتی آگاهی فرد می‌کند و «ذهن بی‌خانمان» می‌سازد. وضعیت مدرن و اجتماعی‌شدن ناشی از زیستن در جهان‌های زیست چندگانه هویتی می‌سازد که «باز»، «تفکیک‌شده»، «اندیشنده» و «فردیت یافته» است (برگر، ۱۳۸۱: ۸۶ - ۸۴). در چنین وضعیتی فرد دیگر نمی‌تواند به ارزشها و نظام نمادین معینی در تمام عمر خود وفادار بماند «برای اینکه دین بتواند نوعی از احساس «درکاشانه‌بودن» را تولید کند، ناگزیر باید تجدید حیات یابد و پیوند معنایی و هویتی خود را با سنت به حداقل برساند و پیوند خود را با ساختارهای اجتماعی سنتی بگسلد و بیش‌ازپیش انتزاعی شود و ادعای تمامیت و تامیت خود را کنار بگذارد. این یکی از ضرورت‌ها برای تجدید حیات دین است» (محدثی، ۱۳۸۶: ۸۳).

ناچار برای تداوم نقش دین در زندگی انسانها «نیازمند فرهنگ دینی‌ای هستیم که کمترین تضاد را با اکتونیت مدرن داشته باشد؛ فرهنگی که خوداتکایی یا اتکای‌به‌نفس را به‌مثابهٔ ارزش مادر پرورش دهد و به مخاطرهٔ اتخاذ چنین مبنای تربیتی‌ای تن دهد. وقتی فرد دیندار هنجارهای دینی را بر مبنای اقتداری بیرونی بپذیرد، تا مدتی می‌تواند بدان عمل کند؛ اما وقتی این هنجارها در مقابل هنجارهای مدرن که متکی بر کامیابی این جهانی و لذت دنیوی و سود(متکی بر عقلانیت هدف-وسیله) هستند قرار می‌گیرد، دچار تزلزل و فروپاشی می‌شوند. هنجارهای مدرن برای فرد به‌صورت خودسالار مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر، فرد در پیش خود می‌داند که چرا چنین رفتار می‌کند، اما وقتی هنجارهای دینی را به‌صورت دگرسالار می‌فهمد و می‌پذیرد، مقصود کنش برای او مفهوم و زنده نیست، چون پذیرشش به‌فرموده است. اینجاست که هنجارهای دینی رفته‌رفته رنگ می‌بازند. مدرنیته دنیای اجتماعی را اکتونی می‌سازد. در مدرنیته همه‌چیز پایه‌ومایه‌ای اکتونی دارد»، بنابراین برای سازگارشدن با ارزشهای مدرن، خوداتکایی دینی از این جهت که مستلزم تبدیل هنجارهای دگرسالارانه به هنجارهای خودسالارانه در فرد می‌شود و فرهنگ گذشته‌نگر و تجویزی را به فرهنگی اکتونی و اختیاری تبدیل می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با چنین نگاهی می‌توانیم بگوییم: اخلاق اولی‌تر از شرع، ارزشها مهم‌تر از هنجارها و محتواها اساسی‌تر از اشکال هستند و به این شکل می‌توانیم برای ایجاد یک نظام تعلیم و تربیت اخلاق‌محور برنامه‌ریزی کنیم (محدثی، ۱۳۸۵: ۱۱).

زیمل^۱ با رویکرد «صوری» به دین، دین را صورتی همچون دیگر صورت‌بندی‌های جهان می‌داند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۸). دین موردنظر وی دینی بی‌شکل است. دینی که هرروز شکل عوض می‌کند. این دین دیگر نیازی به قالبی همیشگی و ثابت ندارد. براساس نظریات زیمل، «دین می‌تواند به صورت شکلی ممکن یا محتمل از تعامل اجتماعی باشد که در حقیقت برای انواع متعدد محتویات کاربرد داشته باشد. در کنار هنر، علم، سیاست و اقتصاد شکلی دینی نیز دین می‌تواند یک شکل خاص عام را به وجود آورد که در طول تاریخ چهره‌های مختلفی به خود بگیرد» (ویلیم، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۲). وی معتقد بود که شور و اشتیاق دینی محو نمی‌شود و اشکال نوین دین‌ورزی، انگیزه دینی را تضعیف نمی‌کنند و جست‌وجوی امر متعالی، اگرچه در اشکال جدید و نوظهور، توقف نمی‌یابد و این امر ویژگی جاودانه انسان است. چارلز تیلور^۲ هم در آخرین نوشته‌اش به نام «عصر سکولار^۳»، سکولاریسم را نوعی رقابت با دین تلقی می‌کند نه حذف. از نظر او ما در جامعه‌ای که خداوند از آن طرد شده زندگی نمی‌کنیم، بلکه طبیعت جامعه سکولار مدرن این است که به شدت کثرت‌گراست و دینداری در دنیای مدرن نیز شخصی‌تر، باطنی‌تر، متعهدانه‌تر و پارسامنش‌تر می‌شود (تیلور، ۲۰۰۷: ۳).

خوداتکایی در مطالعات نسلی به‌عنوان یک ارزش نیز شناخته شده است. در پژوهش شوارتز^۴، ۱۰ نوع ارزش فردی شناسایی شده‌اند که تأثیرات انگیزشی متفاوتی دارند. این ۱۰ بُعد عبارت‌اند از: خیرخواهی^۵، سنت^۶، هم‌نواپی^۷، امنیت^۸، قدرت^۹، موفقیت^{۱۰}، انگیزش^{۱۱}، لذت‌طلبی^{۱۲}، خوداتکایی^{۱۳}، و جهان‌گرایی^{۱۴} که با توجه به تحقیقات انجام شده به وسیله شوارتز، در تمام فرهنگها وجود دارند و تقریباً دارای معانی یکسانی هستند. ارزشهای شناسایی شده توسط شوارتز، با علائق شخص (به‌عنوان فرد) شامل: «قدرت، پیشرفت، لذت، انگیزش و خوداتکایی»

1. George Simmel
2. Charles Taylor
3. A Secular Age
4. Schwartz
5. Benevolence
6. Tradition.
7. Conformity
8. Security
9. Power
10. Achievement
11. Stimulation
12. Hedonism
13. Self- direction
14. Universalism

مرتبطاند. از نظر وی، همهٔ این ارزشها در یک مجموعه قرار می‌گیرند (Bilsky, 1994: 163-181) و (Schwartz, 2000).

اینگلههارت و نقش تحول ارزشی در فاصلهٔ نسلی رونالد اینگلههارت: از دیدگاه اینگلههارت، الگوهای دینداری در جهان، متأثر از چند عامل اصلی شامل سطوح نوسازی اجتماعی، امنیت انسانی و نابرابری اقتصادی، نوع فرهنگ دینی مسلط در هر کشور، تحول در ارزشهای جامعه در طول نسلها، تفاوت‌های موجود میان اقشار اجتماعی مختلف و الگوهای جمعیت‌شناختی، نرخ باروری و تحولات جمعیتی‌اند (اینگلههارت، ۱۳۸۶: ۳۹-۲۱).

یکی از عوامل شتاب‌دهندهٔ روند شکل‌گیری خوداتکایی به‌طور کلی و خوداتکایی دینی به‌طور خاص، فضای مجازی و رشد بی‌اندازهٔ ابزارهای ارتباطی و گسترش بیش‌ازپیش فناوری اطلاعات و ارتباطات است. فناوری‌های جدید، با درهم‌شکستن مرزها و نفوذپذیر ساختن آنها، معادلات زمانی و مکانی را به هم زده‌اند. مک لوهان معتقد است زمانی که ما فناوری جدیدی را وارد جامعه‌ای می‌کنیم، آن جامعه را برای همیشه عوض کرده‌ایم و جوانان به دلیل نوگرایی و آمادگی، تحت تأثیر این تغییرات قرار می‌گیرند؛ یعنی جذب تغییراتی چون نحوهٔ ارتباطات، مُد، سیاست و الگوپذیری غیرفرهنگی می‌شوند، به‌طوری‌که این الگوپذیری که مغایر با ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی فرهنگ جامعهٔ خودشان است، موجب بروز بحران هویت در آنها و در نهایت، منجر به شکاف بین نسلها می‌شود. براساس این رویکرد، تحولات سریع فناوری در حوزهٔ اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گستردهٔ نسل جوان به رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت، آنان را در موقعیت متفاوتی با نسل پیشین قرار داده است (رحیمی، ۱۳۹۰ به نقل از عالی، ۱۳۸۸: ۲۳۰). درحقیقت فضای رسانه‌ای موجود، آثار عملکرد نیروهای جامعه‌پذیری دینی سنتی را بسیار تضعیف و آنها را با چالشهای جدی مواجه می‌کند. نظام دانایی از انحصار نیروهای معین مثل نیروهای دینی خارج می‌شود و به لحاظ فکری و تربیتی، فرد همزمان می‌تواند از منابع بسیار متنوعی تغذیه کند. واقعیت آن است که فضای مجازی و اینترنت امروزه به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است که مرزهای جغرافیایی را از بین برده و افراد را در دورترین نقاط دنیا به یکدیگر پیوند می‌دهد و ضمن افزایش آگاهی، امکان آموزش‌پذیری و افزایش فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال داشته و امروزه به نیازی ضروری برای جامعه تبدیل شده است. همین امر نیز شیوه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار داده و متحول کرده است و تحولات عمیقی در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی پدید آورده و ساختار فکری و

فرهنگی و رفتاری جوانان را دچار تغییر و تحول کرده است. بنابراین محدود کردن آن دیگر در توان دولتها و سیاستمداران و متولیان دین نیست.

۵. فرضیه اصلی

فرضیه اصلی مأخوذ از این چارچوب نظری این است که به نظر می‌رسد میزان خوداتکایی دینی در نسل‌های جدیدتر (در این تحقیق؛ گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال)، نسبت به نسل‌های قبلی (در این تحقیق؛ گروه سنی ۵۰ تا ۶۵ سال در ایران پس از انقلاب)، به مراتب بیشتر است و نسل‌های قبلی (در اینجا گروه دوم) در مقام مقایسه با نسل‌های متأخر (در اینجا گروه اول)، به لحاظ دینی بیشتر مرجعیت‌گرا هستند.

۶. روش تحقیق

این پژوهش یک بررسی پیمایشی^۱ است. اطلاعات این پژوهش از طریق پرسشنامه با مجموعه‌ای از پرسش‌های هدفدار و با بهره‌گیری از مقیاس‌های گوناگون گردآوری شدند. داده‌ها و اطلاعات حاصل از پرسشنامه وارد نرم‌افزار آماری SPSS شدند و براساس پرسش‌ها و اهداف تحقیق، مورد پردازش و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

۶-۱. برخی تعاریف مفهومی و عملیاتی

خوداتکایی: اصطلاح خوداتکایی معادل‌های مختلفی دارد و در انگلیسی با واژه‌های "Autonomy و Self-direction یا Self Reliance" به معنای استقلال فکر و رأی^۲ یا خودآموخته^۳ نشان داده می‌شود. منظور ما از خوداتکایی دینی^۴ در این پژوهش، خودتعیین‌گری افراد و عدم اتکایی آنان به منابع بیرونی در زیست دینی‌شان است. در مقابل خوداتکایی دینی، مرجعیت‌گرایی دینی قرار می‌گیرد. مرجعیت در انگلیسی با واژه "Authority" و کلمات مترادف power, might potency, vigor, sovereignty" (John Sinclair & Other, 2013: 99-100) و در عربی با کلمه مترادف السلطه شناخته می‌شود. در فارسی می‌توانیم معادل‌های «قدرت، اعتبار، نفوذ، سلطه، مرجعیت، اقتدار» را برای آن بکار ببریم (دهخدا، ۱۳۸۲: واژه میم).

1. Survey

2. Self In Structed

3. Self-taught

4. Religious Autonomy

برای عملیاتی‌کردن ابعاد، از مقیاسی محقق‌ساخته متشکل از ۲۹ گویه نظیر: تلاوت قرآن اگرچه معنای آن را نفهمیم، برای نیل به رستگاری لازم است؛ برای ارتباط با خداوند لازم است با زبان خاص و از روی کتاب خاصی این ارتباط ایجاد شود؛ تا وقتی که فرد به تکالیف شرعی خود عمل نکند، اعمال خوب دیگرش نیز باطل‌اند؛ قبل از انجام هر عملی حکم فقهی آن را باید از مرجع تقلید بپرسیم یا به رساله او مراجعه کنیم؛ دینداری به قلب است، حتی اگر آدم اعمال مذهبی - نماز، روزه و ... - را انجام ندهد؛ می‌بخور منبر بسوزان مردم‌آزاری مکن؛ مؤمنان ادیان دیگر «مثل مسیحیت، یهودیت، زرتشتی» اهل نجات‌اند و... استفاده شده است.

۶-۲. جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، تمامی ساکنان شهرهای قم و تهران را در برمی‌گیرد و شامل دو گروه سنی ۵۰ تا ۶۵ سال و ۱۵ تا ۳۰ سال است.

۳۳۳۰۴۸	جمعیت ۱۵ تا ۳۰ سال قم
۱۵۰۲۷۶	جمعیت ۵۰ تا ۶۵ سال قم
۴۸۳۳۲۴	جمع جمعیت قم
۳۰۸۲۹۰۷	جمعیت ۱۵ تا ۳۰ سال تهران
۱۸۵۳۰۷۹	جمعیت ۵۰ تا ۶۵ سال تهران
۴۹۳۵۹۸۶	جمع جمعیت تهران
۵۴۱۹۳۱۰	جمع کل جامعه بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۰

با توجه به گستردگی جامعه آماری، برای تعیین حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده شد. براساس این فرمول، حجم نمونه در کل برابر با ۳۸۴ نمونه محاسبه می‌شود. تعداد نمونه براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد $d = 0.05\%$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شده که در نهایت، برای رعایت نسبی سهمیه‌ها، ۳۹۲ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شدند. در خصوص شیوه نمونه‌گیری تحقیق، به این دلیل که محدوده مکانی این مطالعه نقاط شهری دو استان است، بنابراین نمونه‌گیری تحقیق از این نقاط شهری انتخاب شد؛ بدین صورت که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، نقاط شهری مورد مطالعه (برحسب مناطق جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب) در نواحی و بلوک‌های مختلف شهر انتخاب و در ادامه، پرسشنامه‌های تدوین‌شده به‌طور سهمیه‌ای و به صورت تصادفی در میان جامعه مورد مطالعه، به‌تفکیک در مناطق منتخب تکمیل شدند.

۶-۳. اعتبار و پایایی

در این تحقیق از دو روش تأمین اعتبار محتوا و تأمین اعتبار صوری استفاده شده است. به منظور تأمین اعتبار محتوا، به این دلیل که پرسشنامه محقق ساخته بوده، اعتبار محتوای آن توسط استادان و متخصصان این موضوع مورد تأیید قرار گرفته و از استاندارد لازم برخوردار است. برای تأمین روایی صوری پرسشنامه و صحت و وسقم پرسش‌ها، پرسشنامه در بین تعدادی از اعضای جامعه آماری توزیع و با ارزیابی نتایج، پرسشنامه اولیه اصلاح و اعتبار پرسشنامه نیز تأیید شد. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه در پیش‌آزمون و برای بررسی همبستگی درونی اجزای با یکدیگر از آماره آلفای کرونباخ بهره گرفته شده و پایایی محاسبه شده برای کل پرسشنامه، ۰/۹۰۶ بوده و این مقدار گویای پایایی بالای پرسشنامه است.

۷. نتایج پژوهش

۷-۱. نکات جمعیت‌شناختی نمونه: حداقل سن پاسخ‌دهندگان ۱۵ و حداکثر ۶۵ سال بود. ۴۹ درصد پاسخگویان زن و ۵۱ درصد مرد بوده‌اند. به لحاظ سنی، جمعیت نمونه در شش گروه با فاصله ۵ سال تقسیم‌بندی شده‌اند که بیشترین آنها مربوط به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و کمترین آنها مربوط به گروه سنی ۵۶ تا ۶۰ سال است.

جدول ۱. توزیع جنسیت و سن افراد مورد مطالعه

درصد	فراوانی	جنسیت و سن	
		مرد	زنان
۵۰/۸	۱۹۹	مرد	جنسیت
۴۹/۲	۱۹۳	زن	
۱۰۰	۳۹۲	مجموع	
۱۷/۶	۶۹	از ۱۵ تا ۲۰ سال	سن
۱۶/۶	۶۵	از ۲۱ تا ۲۵ سال	
۱۸/۱	۷۱	از ۲۶ تا ۳۰ سال	
۱۶/۳	۶۴	از ۳۱ تا ۳۵ سال	
۱۵/۳	۶۰	از ۳۶ تا ۴۰ سال	
۱۶/۱	۶۳	از ۴۱ تا ۴۵ سال	
۱۰۰	۳۹۲	مجموع	

در تقسیم‌بندی جدید، این شش گروه به دو گروه تا ۳۰ سال و بیش از ۵۰ سال تقسیم شده‌اند که در این حالت، گروه اول شامل ۵۲ درصد و گروه دوم شامل ۴۸ درصد می‌شود. مردان در گروه اول شامل ۵۰ درصد و در گروه دوم سنی هم ۵۰ درصدند. در گروه جنسی مؤنث

هم این تقسیم‌بندی در گروه اول برابر با ۵۴ درصد و در گروه دوم برابر با ۴۶ درصد جمعیت نمونه مورد مطالعه بود. افراد مورد بررسی در این تحقیق که شامل دو گروه مردان و زنان بودند، به صورت دو گروه مجرد و متأهل نیز مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۲. توزیع نوع شغل و جنسیت دو گروه افراد مورد مطالعه

گروه‌های مورد مطالعه		گروه اول		گروه دوم		جنسیت				شغل
						زن		مرد		
شماره	نسبت	شماره	نسبت	شماره	نسبت	شماره	نسبت	شماره	نسبت	
۷	۱۳	۸/۳	۱۷	۱۲/۴	۲۴	۳	۶	۷/۷	۳۰	بیکار
۱۹/۳	۳۶	۱۵/۶	۳۲	۹/۸	۱۹	۲۴/۶	۴۹	۱۷/۳	۶۸	آزاد
۲۵/۷	۴۸	۱۲/۲	۲۵	۱۰/۴	۲۰	۲۶/۶	۵۳	۱۸/۶	۷۳	کارمند
۱۴/۴	۲۷		۰	۵/۷	۱۱	۸	۱۶	۶/۹	۲۷	بازنشسته
.	۰	۲۸/۸	۵۹	۱۵/۵	۳۰	۱۴/۶	۲۹	۱۵/۱	۵۹	دانش‌آموز
.	۰	۲۹/۳	۶۰	۱۸/۱	۳۵	۱۲/۶	۲۵	۱۵/۳	۶۰	دانشجو
۱۱/۲	۲۱	۱/۵	۳	۸/۳	۱۶	۴	۸	۶/۱	۲۴	دبیر
۳/۲	۶	۱	۲	.	.	۴	۸	۲	۸	استاد دانشگاه
۱۹/۳	۳۶	۳/۴	۷	۱۹/۷	۳۸	۲/۵	۵	۱۱	۴۳	سایر
۱۰۰	۱۸۷	۱۰۰	۲۰۵	۱۰۰	۱۹۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۹۲	مجموع

از جهت توزیع تأهل و جنسیت افراد مورد مطالعه نیز در گروه مردان، ۴۳ درصد مجرد و ۵۷ درصد متأهل‌اند و در گروه زنان این رقم ۴۵ درصد و ۵۵ درصد است. نتایج نشان می‌دهند که گروه اول سنی شامل ۷۸ درصد مجرد و ۲۳ درصد متأهل و گروه سنی دوم هم ۹۳ درصد متأهل و ۷ درصد مجردند. از لحاظ شغلی نیز ۷/۷ درصد پاسخگویان بیکار، ۱۷/۳ درصد دارای شغل آزاد، ۱۸/۶ درصد کارمند، ۶/۹ درصد بازنشسته، ۱۵/۱ درصد دانش‌آموز، ۱۵/۳ درصد دانشجو، ۶/۱ درصد دبیر، ۲ درصد استاد دانشگاه و ۱۱ درصد سایر مواردند که عمدتاً در محدوده داشتن کار قرار نداشتند. از نظر میزان تحصیلات، ۳۱/۹ درصد پاسخگویان در حد دیپلم، ۲۹/۸ درصد کارشناسی، ۱۴/۳ درصد کارشناسی‌ارشد، ۸/۹ درصد فوق‌دیپلم، ۵/۴ درصد دکتری، ۵/۴ درصد

❖ سوم راهنمایی، ۴/۱ درصد پنجم دبستان و ۳ درصد بی سواد بودند. در مجموع، بیشترین تحصیلات در گروه اول و گروه دوم، مربوط به تحصیلات کارشناسی و دیپلم بود.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد محل سکونت افراد مورد مطالعه دو گروه مورد مطالعه

سن		سکونت								محل سکونت
		گروه اول		زن		مرد				
گروه دوم										
شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	
۵۱/۳	۹۶	۴۹/۳	۱۰۱	۴۹/۷	۹۶	۵۰/۸	۹۹	۵۰/۳	۱۹۷	قم
۴۸/۷	۹۱	۵۰/۷	۱۰۴	۵۰/۳	۹۷	۴۹/۲	۹۸	۴۹/۷	۱۹۵	تهران
۱۰۰	۱۸۷	۱۰۰	۲۰۵	۱۰۰	۱۹۵	۱۰۰	۱۹۷	۱۰۰	۳۹۲	مجموع

❖ سال بیستم، شماره چهارم و پنجم، بهار ۱۳۹۸

داده‌های جدول شماره ۴ محل سکونت دو شهر افراد مورد بررسی را در دو گروه قم و تهران، دو گروه جنسیتی مردان و زنان و دو گروه سنی مختلف الف و ب نشان می‌دهند که محل سکونت گروه‌های نامبرده به میزان تقریباً مساوی و حدود ۵۰ درصد قم و تهران است.

۷-۲. نتایج توصیف گویه‌های مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی

جدول ۴. توزیع گویه‌های مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در مناسک دینی دو گروه مورد مطالعه

گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال					گروه سنی تا ۳۰ سال					مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در مناسک دینی	
کاملاً موافق	موافق	شک‌زدنی تا مخالف	مخالف	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	موافق	شک‌زدنی تا مخالف	مخالف	کاملاً مخالف		
۵۰	۷۶	۲۵	۲۹	۷	۳۵	۴۳	۳۵	۳۶	۵۶	فراوانی	تلاوت قرآن ولو اینکه معنای آن را نفهمیم برای نیل به رستگاری لازم است.
۲۶/۷	۴۰/۶	۱۳/۴	۱۵/۵	۳/۷	۱۷/۱	۲۱/۰	۱۷/۱	۱۷/۶	۲۷/۳	درصد	
۵۸	۴۸	۳۸	۳۵	۸	۱۱۰	۵۱	۳۲	۵	۷	فراوانی	برای ارتباط با خداوند لازم نیست با زبان خاص و از روی کتاب خاصی این ارتباط ایجاد شود.
۳۱/۰۰	۲۵/۷	۲۰/۳	۱۸/۷	۴/۳	۵۳/۷	۲۴/۹	۱۵/۶	۲/۴	۳/۴	درصد	
۱۰	۵۲	۵۷	۵۴	۱۴	۴۸	۵۶	۴۸	۳۲	۲۰	فراوانی	زیارت مخصوص قبور پیشوایان دینی نیست. می‌توان قبور بزرگانی چون گاندی و ماندلا را نیز زیارت کرد.
۵/۳	۲۷/۸	۳۰/۵	۲۸/۹	۷/۵	۲۳/۵	۲۷/۵	۲۳/۵	۱۵/۷	۹/۸	درصد	
۲۲	۸۶	۳۱	۴۰	۷	۱۹	۲۴	۳۹	۶۸	۴۶	فراوانی	مناسک حج بایستی با تمامی جزئیات آن بدون رعایت شرایط روز و جمعیت حجاج انجام گیرد.
۱۱/۸	۴۶/۲	۱۶/۷	۲۱/۵	۳/۸	۹/۷	۱۲/۲	۱۹/۹	۳۴/۷	۲۳/۵	درصد	
۱۷	۸۶	۶۳	۱۶	۵	۳۲	۴۳	۵۰	۴۴	۳۵	فراوانی	خواندن نماز جماعت نباید ترک شود.
۹/۱	۴۶/۰۰	۲۳/۷	۸/۶	۲/۷	۱۵/۷	۲۱/۱	۲۴/۵	۲۱/۶	۱۷/۲	درصد	
۳۳	۸۱	۳۱	۳۳	۹	۵۷	۴۲	۲۳	۵۴	۲۶	فراوانی	روزه گرفتن به شیوهی سنتی و بدون تغییر در روش آن باید انجام گیرد.
۱۷/۶	۴۳/۳	۱۶/۶	۱۷/۶	۴/۸	۲۸/۲	۲۰/۸	۱۱/۴	۲۶/۷	۱۲/۹	درصد	
۹	۵۰	۵۱	۶۴	۱۳	۱۵	۱۰	۳۰	۶۴	۸۳	فراوانی	تا وقتی که فرد به تکلیف‌های شرعی خود عمل نکند اعمال خوب دیگرش نیز باطل است.
۴/۸	۲۶/۷	۲۷/۳	۳۴/۲	۷/۰	۷/۴	۵/۰	۱۴/۹	۳۱/۷	۴۱/۱	درصد	

برای سنجش اینکه آیا در مناسک دینی، خوداتکایی یا مرجعیت‌گرایی دینی اولویت پاسخگویان است، هفت گویه در نظر گرفته شدند. پاسخگویی به این گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت با

پنج گزینه کاملاً مخالف، مخالف، تا حدودی، موافق و کاملاً موافق بود. نتایج توصیفی مقایسه پاسخهای دو نسل مورد مطالعه نشان‌دهنده این هستند که ۴۵ درصد از گروه زیر ۳۰ سال، تلاوت قرآن را در صورتی که معنای آن فهمیده نشود، برای نیل به رستگاری لازم نمی‌دانند؛ اما در گروه بیش از ۵۰ سال، ۶۷ درصد پاسخگویان تلاوت قرآن را اگرچه معنای آن فهمیده نشود، برای نیل به رستگاری لازم می‌دانند. این نسبت با اختلافاتی که در جدول بالا مشاهده می‌شود، تقریباً به نوعی نشان‌دهنده اختلاف این دو گروه مطالعاتی در این گویه است. در مورد گویه «برای ارتباط با خداوند لازم نیست با زبان خاص و از روی کتاب خاصی این ارتباط ایجاد شود»، در گروه اول ۷۶ درصد موافق و فقط ۶ درصد مخالف و در گروه دوم ۵۷ درصد موافق و ۲۳ درصد مخالف این گویه بودند. در خصوص گویه «زیارت مخصوص قبور پیشوایان دینی نیست و می‌توانیم قبور بزرگانی چون گاندی و ماندلا را نیز زیارت کنیم»، در گروه اول ۵۱ درصد موافق آن و در گروه دوم فقط ۲۳ درصد موافق آن بودند. در خصوص گویه «مناسک حج بایستی با تمامی جزئیات آنها و بدون رعایت شرایط روز و جمعیت حجاج انجام شوند»، در گروه اول ۵۸ درصد مخالف و در گروه دوم ۲۵ درصد مخالف بودند. در مورد گویه «خواندن نماز جماعت نباید ترک شود» نیز در گروه اول ۳۹ درصد مخالف و ۳۶ درصد موافق، اما در گروه دوم ۱۱ درصد مخالف و ۵۷ درصد موافق این گویه بودند. ۳۹ درصد پاسخگویان گروه اول نیز مخالف «روزه گرفتن به شیوه سنتی و بدون تغییر در روش آن» بودند و ۴۹ درصد همچنان موافق با این نوع روزه‌داری بودند، در حالی که ۶۱ درصد گروه دوم معتقدند که روزه گرفتن باید به شیوه سنتی و بدون تغییر در روش آن انجام گیرد و فقط ۲۳ درصد با آن مخالفت کردند. ۷۳ درصد پاسخگویان گروه اول نیز مخالف این گویه بودند که «تا وقتی که فرد به تکالیف شرعی خود عمل نکند، اعمال خوب دیگرش نیز باطل‌اند» و فقط حدود ۱۲ درصد با محتوای این گویه موافقت کردند؛ اما ۳۲ درصد گروه دوم معتقدند که «تا وقتی که فرد به تکالیف شرعی خود عمل نکند، اعمال خوب دیگرش نیز باطل‌اند» و حدود ۳۲ درصد نیز از گروه دوم با این گویه مخالفت کرده‌اند. بررسی و تطبیق پاسخهای دو گروه مورد مطالعه در جدول بالا نشان‌دهنده شکافی قابل توجه در خصوص خودانکایی نسل زیر ۳۰ سال در مناسک دینی است. تقریباً تمامی گویه‌هایی که دال بر دینداری شریعت‌مدارانه‌اند، مورد مخالفت بیشتر گروه جوانتر قرار گرفته‌اند.

جدول ۵. توزیع طیف گویه‌های خوداتکایی در فرمان‌ها دینی در دو گروه

مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در گرفتن فرمان‌های دینی		گروه سنی تا ۳۰ سال					گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال				
		کاملاً مخالف	مخالف	ظرف	کاملاً موافق	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	مخالف	ظرف	کاملاً موافق	کاملاً موافق
فراوانی	قبل از انجام هر عملی حکم فقهی آن‌را باید از مرجع تقلید پرسید یا به رساله او مراجعه کرد.	۲۵	۵۷	۵۴	۳۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۵	۲۹	
درصد		۱۷/۱	۲۷/۸	۲۶/۳	۱۶/۶	۱۲/۲	۲/۷	۱۲/۸	۳۱/۶	۳۷/۴	
فراوانی	با وجود افزایش علم و آگاهی مراجعه به مرجع تقلید لازم است.	۳۸	۴۹	۵۲	۳۰	۳۳	۷	۲۴	۴۸	۸۵	
درصد		۱۸/۸	۲۴/۳	۲۵/۷	۱۴/۹	۱۶/۳	۳/۷	۱۲/۸	۲۵/۷	۴۵/۵	
فراوانی	اگر احکام شرعی درباره‌ی حجاب، موسیقی و روابط با جنس مخالف سخت‌گیرانه باشد خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دانم.	۳۳	۳۳	۳۸	۶۰	۳۹	۱۴	۱۱۶	۳۰	۱۳	
درصد		۱۶/۳	۱۶/۳	۱۸/۷	۳۹/۶	۱۹/۲	۹/۱	۶۲/۴	۱۶/۱	۷/۰	
فراوانی	ترجیح می‌دهم هر وقت حال خوبی دارم نماز بخوانم نه براساس وقت‌های از پیش تعیین شده شرعی.	۱۵	۵۱	۲۷	۵۴	۲۰	۵۵	۱۱۱	۷	۸	
درصد		۲۵/۴	۲۵/۱	۱۳/۳	۲۶/۶	۹/۹	۲۹/۴	۵۹/۴	۳/۷	۳/۲	
فراوانی	در انجام تکلیف دینی باید بیشتر به تشخیص خود عمل کرد.	۳۵	۴۵	۳۹	۵۸	۲۸	۳۹	۷۸	۵۱	۱۴	
درصد		۱۷/۱	۲۲/۰	۱۹/۰	۲۸/۳	۱۳/۷	۲۰/۹	۴۱/۷	۲۷/۳	۷/۵	
فراوانی	اصل رابطه داشتن با خدا مهم‌تر از شکل آن است. نباید خود را در قالب توصیه‌های دینی محدود و محصور کرد.	۱۵	۳۴	۴۸	۶۳	۴۴	۱۰	۶۸	۳۸	۳۴	
درصد		۷/۴	۱۶/۸	۲۳/۸	۳۱/۲	۲۰/۸	۵/۴	۳۶/۶	۲۰/۴	۱۸/۳	

برای سنجش مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در گرفتن فرامین دینی، شش گویه در نظر گرفته شدند که با بررسی پاسخها به این گویه‌ها درصد بودیم دریابیم که آیا در مورد فرامین دینی، اولویت پاسخگویان خوداتکایی است یا مرجعیت‌گرایی. بررسی و تطبیق پاسخهای دو گروه مورد مطالعه در جدول فوق نشان‌دهنده شکافی قابل توجه است و نشان می‌دهد که خوداتکایی نسل زیر ۳۰ سال در فرامین دینی قابل توجه است. نتایج توصیفی مقایسه پاسخهای دو نسل مورد مطالعه نشان‌دهنده این هستند که ۴۵ درصد از گروه زیر ۳۰ سال مخالف آنند که قبل از انجام هر عملی، حکم فقهی آن را باید از مرجع تقلید بپرسند یا به رساله او مراجعه کنند و فقط ۲۹ درصد از آنان با محتوای این گویه موافق بوده‌اند؛ اما در گروه بیش از ۵۰ سال، ۵۳ درصد پاسخگویان معتقدند قبل از انجام هر عملی، حکم فقهی آن را باید از مرجع تقلید بپرسیم یا به

رساله او مراجعه کنیم. فقط قریب ۱۶ درصد از گروه بالای ۵۰ سال با محتوای این گویه مخالفت کرده‌اند.

برای گویه «با وجود افزایش علم و آگاهی، مراجعه به مرجع تقلید لازم است»، در گروه اول ۴۶ درصد مخالف و ۳۱ درصد موافق، اما در گروه دوم ۱۷ درصد مخالف و ۵۸ درصد موافق آن بودند. در خصوص گویه «اگر احکام شرعی دربارهٔ حجاب، موسیقی و روابط با جنس مخالف سخت‌گیرانه باشند، خود را ملزم به رعایت آنها نمی‌دانم»، در گروه اول ۴۹ درصد موافق آن و ۳۳ درصد مخالف، اما در گروه دوم فقط ۱۲ درصد موافق آن بودند و ۷۲ درصد به مخالفت با آن پرداختند. در مورد گویه «ترجیح می‌دهم هر وقت حال خوبی دارم نماز بخوانم، نه براساس اوقات ازبیش‌تعیین‌شدهٔ شرعی» نیز در گروه اول ۳۷ درصد موافق و ۵۰ درصد مخالف بوده‌اند، اما در گروه دوم فقط حدود ۸ درصد با آن موافقت و ۸۲ درصد مخالفت کرده‌اند. ۴۲ درصد پاسخگویان گروه اول نیز معتقدند که «در انجام تکلیف دینی باید بیشتر به تشخیص خود عمل کنیم» و ۳۹ درصد به مخالفت با آن برخاسته‌اند، در حالی که ۶۳ درصد گروه دوم مخالف آن بودند و فقط قریب ۱۰ درصد با آن موافقت کردند. ۵۲ درصد پاسخگویان گروه اول نیز موافق این گویه بودند که «اصل رابطه‌داشتن با خدا مهم‌تر از شکل آن است و نباید خود را در قالب توصیه‌های دینی محدود و محصور کنیم» و فقط ۲۴ درصد با آن مخالفت کرده‌اند، در حالی که در گروه دوم ۴۲ درصد مخالف و ۳۸ درصد موافق آن بوده‌اند.

جدول ۶. توزیع طیف گویه‌های مرجعیت‌گرایی و خودتکایی در انعطاف دینی در دو گروه

مرجعیت‌گرایی و خودتکایی در انعطاف دینی		گروه سنی تا ۳۰ سال				گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال			
		کاملاً موافق	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	کاملاً مخالف
فراروانی	کسی که نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد ولی خدا و دین را قبول دارد مسلمان است.	۲۰	۲۰	۶۸	۶	۵۰	۴۶	۲۰	۹
درصد		۹/۸	۹/۸	۳۳/۳	۳/۲	۳۴/۵	۲۲/۵	۹/۸	۴/۸
فراروانی	برخی از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه‌ی امروزی اجرا کرد.	۱۵	۱۲	۶۴	۲۰	۶۹	۴۵	۱۲	۱۸
درصد		۷/۳	۵/۹	۲۳/۱	۱۰/۷	۳۳/۷	۲۲/۰	۵/۹	۹/۶
فراروانی	در مورد خریدوفروش مشروبات الکلی نباید سخت‌گیری کرد.	۶۱	۴۲	۴۸	۲۸	۴۸	۲۵	۴۲	۹
درصد		۲۹/۹	۲۰/۶	۲۲/۵	۱۳/۷	۲۳/۵	۱۲/۳	۲۰/۶	۴/۸
فراروانی	دین‌داری به قلب است ولو اینکه آدم اعمال مذهبی (نماز، روزه و...) را انجام ندهد.	۳۲	۴۱	۵۸	۱۹	۴۰	۳۳	۴۱	۸
درصد		۱۵/۷	۲۰/۱	۲۸/۴	۱۹/۶	۲۸/۴	۱۶/۲	۲۰/۱	۴/۳

برای سنجش اینکه آیا در انعطاف دینی، خوداتکایی یا مرجعیت‌گرایی اولویت پاسخگویان بود، چهارگویه در نظر گرفته شدند. نتایج توصیفی مقایسهٔ پاسخهای دو نسل مورد مطالعه نشان‌دهندهٔ این هستند که ۵۸ درصد از گروه زیر ۳۰ سال کسی را که نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد، ولی خدا و دین را قبول دارد مسلمان می‌دانند و ۲۳ درصد نیز تا حدودی مسلمان می‌دانند و فقط ۱۹ درصد چنین فردی را مسلمان نمی‌دانند؛ اما در گروه بیش از ۵۰ سال، ۴۴ درصد پاسخگویان کسی را که نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد، ولی خدا و دین را قبول دارد مسلمان می‌دانند و ۴۹ درصد نیز تا حدودی او را مسلمان می‌دانند و ۱۳ درصد چنین فردی را مسلمان نمی‌دانند. برای گویهٔ «برخی از قوانین اسلام را نمی‌توانیم در جامعهٔ امروزی اجرا کنیم»، در گروه اول ۶۵ درصد موافق و فقط ۱۳ درصد مخالف و در گروه دوم ۵۴ درصد موافق و ۳۳ درصد مخالف بودند. به نظر می‌رسد در گویه‌های پیشین، نظرات در این خصوص تفاوت بالایی نداشتند و این نشان‌دهندهٔ این است که ذهنیت نسل پیشین نسبت به انعطاف دینی در حال تغییر است و البته در گزینهٔ بعدی که پاسخگو با پرسش صریح‌تری روبه‌رو می‌شود، اختلاف دیدگاهها بیشتر است. گویه این بود که «در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید سخت‌گیری کرد.» در گروه اول ۴۱ درصد موافق آن و ۵۱ درصد مخالف آن بودند و در گروه دوم فقط ۱۷ درصد موافق این فکر و ۷۶ درصد با آن مخالف بودند و اعتقاد داشتند که در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی باید سخت‌گیری کرد. ۴۸ درصد پاسخگویان گروه اول نیز معتقد بودند که «دینداری به قلب است، اگرچه آدم اعمال دینی (نماز، روزه و...) را انجام ندهد»، در حالی که فقط ۱۷ درصد گروه دوم به این فکر اعتقاد دارند و ۴۴ درصد کسی را که اعمال دینی را انجام نمی‌دهد دیندار نمی‌دانند. این رقم در گروه اول ۳۵ درصد بود. به نظر می‌رسد که گرایش «داشتن قلبی پاک و نیکوکار می‌تواند جایگزین اعمال دینی از جمله اعمال واجب (همچون نماز و روزه) شود»، بین هر دو گروه مورد مطالعه در حال افزایش است.

جدول ۷. تفاوت طیف خودانگیزی در خصوص اخلاق در دو گروه

گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال					گروه سنی تا ۳۰ سال					مرجعیت‌گرایی و خودانگیزی در اخلاق	
کاملاً موافق	موافق	ط ۱ بدوی	مخالف	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	موافق	ط ۱ بدوی	مخالف	کاملاً مخالف		
۲۴	۸۷	۲۷	۴۵	۳	۵۸	۷۹	۴۰	۱۳	۱۳	فراوانی	باطن دین بر حفظ ظاهر دین ترجیح دارد.
۱۲/۹	۴۶/۸	۱۴/۵	۲۴/۲	۱/۶	۲۸/۶	۳۸/۹	۱۹/۷	۶/۴	۶/۴	درصد	
۱۵	۵۵	۷۲	۳۶	۹	۵۷	۶۰	۳۰	۳۳	۲۳	فراوانی	اگر بنا بر مقایسه باشد از کسی غیبت و بدگویی نکردن بر نمازخواندن ترجیح دارد.
۸/۰	۲۹/۴	۳۸/۵	۱۹/۳	۴/۸	۲۸/۱	۲۹/۶	۱۴/۸	۱۶/۳	۱۱/۳	درصد	
۴۳	۴۸	۵۴	۳۷	۴	۷۸	۶۳	۳۶	۱۶	۸	فراوانی	خداوند بیش از عبادات و واجبات از ما می‌خواهد که راست‌گو و درستکار باشیم.
۲۲/۱	۲۵/۸	۲۹/۰	۱۹/۹	۲/۲	۳۸/۸	۳۱/۳	۱۷/۹	۸/۰	۴/۰	درصد	
۷	۵۰	۳۶	۷۸	۱۵	۵۶	۶۴	۴۱	۱۷	۲۷	فراوانی	باطن دین بر حفظ ظاهر دین ترجیح دارد.
۳/۸	۲۶/۹	۱۹/۴	۴۱/۹	۸/۱	۲۷/۳	۳۱/۲	۲۰/۰	۸/۳	۱۳/۲	درصد	

برای سنجش اولویت پاسخگویان در خودانگیزی یا مرجعیت‌گرایی در اخلاق دینی نیز چهره گویه در نظر گرفته شدند. نتایج توصیفی مقایسه پاسخهای دو نسل مورد مطالعه نشان‌دهنده این هستند که ۶۸ درصد از گروه زیر ۳۰ سال معتقدند که باطن دین بر حفظ ظاهر دین ترجیح دارد. ۱۹ درصد نیز تا حدودی قائل به این هستند و فقط ۱۳ درصد چنین اعتقادی ندارند. در گروه بیش از ۵۰ سال، ۶۰ درصد پاسخگویان باطن دین را بر حفظ ظاهر دین ترجیح دادند و ۱۵ درصد نیز تا حدودی قائل به این هستند و ۲۶ درصد چنین اعتقادی ندارند. همچنین ۵۸ درصد گروه زیر ۳۰ سال معتقدند که اگر بنا بر مقایسه باشد، از کسی غیبت و بدگویی نکردن، بر نمازخواندن ترجیح دارد. در گروه بزرگسال این نسبت ۳۷ درصد است. ۷۰ درصد گروه اول و ۴۹ درصد از گروه دوم معتقد بودند که خداوند بیش از عبادات و واجبات، از ما می‌خواهد که راست‌گو و درستکار باشیم. وقتی از پاسخگویان خواستیم نظرشان را در مورد این گویه که «می‌بخور منبر بسوزان مردم‌آزاری مکن» بگویند، ۵۹ درصد از گروه اول و ۳۱ درصد از گروه دوم اعلام کردند که موافق یا خیلی موافق با این گزینه‌اند. جالب اینکه ۵۰ درصد از گروه بزرگسال و ۲۱ درصد از گروه اول مخالف و کاملاً مخالف این گویه بودند. اگر گرایش هر دو نسل را در خصوص اخلاق بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که در نسل اولیه نیز گرایش به اخلاق فرادینی در حال افزایش است.

جدول ۸. بررسی خوداتکایی در پذیرش ادیان در دو گروه

گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال					گروه سنی تا ۳۰ سال					مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در پذیرش ادیان	
کاملاً موافق	موافق	تا حدی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	موافق	تا حدی موافق	مخالف	کاملاً مخالف		
۱۵	۶۰	۸۸	۲۰	۲	۴۰	۷۴	۵۲	۲۰	۱۵	فراوانی	مؤمنان ادیان دیگر (مثل مسیحیت، یهودیت، زرتشتی) اهل نجات‌اند.
۸/۱	۳۲/۴	۴۷/۶	۱۰/۸	۱/۱	۱۹/۹	۳۶/۸	۲۵/۹	۱۰/۰	۷/۵	درصد	
۷۶	۶۶	۲۸	۱۴	۳	۵۱	۴۵	۴۲	۴۶	۱۸	فراوانی	اسلام برای برآوردن نیازهای معنوی کفایت می‌کند و به تعلیمات ادیان دیگر نیازی نیست.
۴۰/۶	۳۵/۳	۱۵/۰	۷/۵	۱/۶	۲۵/۲	۲۲/۳	۲۰/۸	۲۲/۸	۸/۹	درصد	
۳	۱۶	۴۷	۷۰	۴۸	۲۱	۵۵	۴۹	۳۹	۳۷	فراوانی	عرفان‌های شخصی و معنویت‌گرایی‌های جدید را مردود نمی‌دانم
۱/۶	۸/۷	۲۵/۵	۳۸/۰	۲۶/۱	۱۰/۴	۲۷/۴	۲۴/۴	۱۹/۴	۱۸/۴	درصد	
۹	۶۵	۲۸	۵۹	۲۵	۳۳	۶۷	۵۸	۲۱	۲۱	فراوانی	استفاده از برنامه‌ها و دستورات و معنویت‌های جدید در کنار آموزه‌های اسلام اشکالی ندارد.
۴/۸	۳۴/۹	۱۵/۱	۳۱/۷	۱۳/۴	۱۶/۵	۳۳/۵	۳۹/۰	۱۰/۵	۱۰/۵	درصد	

برای سنجش خوداتکایی یا مرجعیت‌گرایی در پذیرش ادیان در دو نسل متفاوت پس از انقلاب، چهار گویه در نظر گرفته شدند. نتایج توصیفی مقایسه پاسخهای دو نسل مورد مطالعه نشان‌دهنده این هستند که ۵۷ درصد از گروه زیر ۳۰ سال معتقدند که مؤمنان ادیان دیگر (مثل مسیحیت، یهودیت، زرتشتی) اهل نجات‌اند. ۲۶ درصد نیز تا حدودی قائل به این هستند و فقط ۱۸ درصد چنین اعتقادی ندارند. در گروه بیش از ۵۰ سال، ۴۱ درصد پاسخگویان معتقدند که مؤمنان ادیان دیگر (مثل مسیحیت، یهودیت، زرتشتی) اهل نجات‌اند و ۴۸ درصد نیز معتقدند تا حدودی اهل نجات‌اند. ۴۸ درصد گروه زیر ۳۰ سال معتقدند که اسلام برای برآورده کردن نیازهای معنوی کفایت می‌کند و به تعلیمات ادیان دیگر نیازی نیست و ۳۲ درصد مخالف این موضوع‌اند، در حالی که در گروه بزرگسال ۷۶ درصد معتقدند که اسلام برای برآورده کردن نیازهای معنوی کفایت می‌کند و به تعلیمات ادیان دیگر نیازی نیست و فقط ۹ درصد با این موضوع مخالف‌اند. ۳۷ درصد گروه اول و ۱۰ درصد از گروه دوم عرفان‌های شخصی و معنویت‌گرایی‌های جدید را مردود نمی‌دانند، ولی ۳۸ درصد گروه اول و ۶۴ درصد از گروه دوم عرفان‌های شخصی و معنویت‌گرایی‌های جدید را نمی‌پسندند. ۵۰ درصد از گروه اول و ۴۰ درصد از گروه دوم اعلام کردند که موافق یا خیلی موافق استفاده از برنامه‌ها و دستورات و

معنویت‌های جدید در کنار آموزه‌های اسلام‌اند، درحالی‌که ۴۵ درصد از گروه بزرگسال و ۲۱ درصد از گروه اول مخالف و کاملاً مخالف این گویه بودند. نتایج در این بخش نیز حاکی از این هستند که تفاوت دو گروه مورد مطالعه بسیار کمتر از تفاوت در سایر فرضیات است؛ یعنی نسل پیشین نیز به سمت تکثر ادیان و پذیرش ادیان دیگر در حال تمایل‌اند و گرایش عدم‌پذیرش ادیان دیگر برای رستگاری بشر، فقط در بین متعصبان دینی پررنگ است که تعداد آنها نیز در حال کاهش است.

جدول ۹. مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در اتکای به سنت یا عقلانیت در دو گروه

گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال					گروه سنی تا ۳۰ سال					مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در مرجعیت سنت یا عقلانیت	
کاملاً موافق	موافق	تا حدودی	مخالف	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	موافق	تا حدودی	مخالف	کاملاً مخالف		
۱۰	۳۳	۵۰	۶۵	۲۷	۴۲	۵۷	۲۷	۳۴	۴۲	فراوانی	نباید انتظار داشته باشیم دین اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشری باشد.
۵/۴	۱۷/۸	۲۷/۰	۳۵/۱	۱۴/۶	۲۰/۸	۲۸/۲	۱۳/۴	۱۶/۸	۲۰/۸	درصد	
۵۸	۵۵	۵۹	۱۳	۲	۳۱	۴۳	۴۰	۶۲	۲۷	فراوانی	معصومین، تنها راهنمایان ما در دین برای نیل به رستگاری هستند.
۳۱/۰	۳۹/۴	۳۱/۶	۷/۰	۱/۱	۱۵/۳	۲۱/۲	۱۹/۷	۳۰/۵	۱۳/۳	درصد	
۶	۱۱	۵۶	۷۰	۴۳	۱۹	۴۶	۴۸	۴۰	۴۸	فراوانی	امور عالم سیر طبیعی خودشان را دارند و توسل به واسطه‌ها برای برآوردن حاجات بی‌معناست.
۳/۲	۵/۹	۳۰/۱	۳۷/۶	۲۳/۱	۹/۵	۲۲/۹	۲۳/۹	۱۹/۹	۲۳/۹	درصد	
۱۷	۶۵	۳۵	۵۴	۱۴	۷۷	۵۲	۳۴	۱۴	۲۶	فراوانی	دین نباید جای عقل بشر را تنگ کند
۹/۲	۳۵/۱	۱۸/۹	۲۹/۲	۷/۶	۳۷/۹	۲۵/۶	۱۶/۷	۶/۹	۱۲/۸	درصد	و مانع از برنامه‌ریزی عقلانی شود.

برای سنجش مرجعیت‌گرایی و خوداتکایی در اتکای به سنت یا عقلانیت در دو نسل متفاوت پس از انقلاب، چهار گویه در نظر گرفته شدند تا روشن شود به لحاظ تکیه به سنت یا عقلانیت، چه گرایشی وجود دارد. نتایج توصیفی ناشی از مقایسه پاسخهای دو نسل مورد مطالعه نشان‌دهنده این هستند که ۴۹ درصد از گروه زیر ۳۰ سال معتقدند نباید انتظار داشته

باشیم دین اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشری باشد. ۱۳ درصد نیز تا حدودی قائل به این هستند و ۳۸ درصد چنین اعتقادی ندارند. در گروه بیش از ۵۰ سال، ۲۳ درصد پاسخگویان معتقدند که نباید انتظار داشته باشیم دین اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشری باشد و ۲۷ درصد نیز معتقدند تا حدودی و ۵۰ درصد نیز مخالف این موضوع‌اند. ۳۶ درصد گروه زیر ۳۰ سال معتقدند که معصومین، تنها راهنمایان ما در دین برای نیل به رستگاری‌اند و ۴۴ درصد مخالف این موضوع‌اند، در حالی که در گروه بزرگسال، ۶۱ درصد معتقدند که معصومین، تنها راهنمایان ما در دین برای نیل به رستگاری‌اند و فقط ۸ درصد با این موضوع مخالف‌اند. نتایج حاصل‌شده در این مورد نیز حاکی از اختلاف بیشتر دو گروه مورد مطالعه هستند و به نظر می‌رسد گرایش به عقلانیت فراتر از تعبد دینی، در گروه اول در حال افزایش است. ۳۳ درصد گروه اول و ۹ درصد از گروه دوم معتقدند امور عالم سیر طبیعی خودشان را دارند و توسل به واسطه‌ها برای برآوردن حاجات بی‌معناست، ولی ۴۴ درصد گروه اول و ۶۱ درصد از گروه دوم با آن مخالف‌اند. ۶۴ درصد از گروه اول و ۴۴ درصد از گروه دوم اعلام کردند که موافق یا خیلی موافق‌اند که دین نباید جای عقل بشر را تنگ کند و مانع از برنامه‌ریزی عقلانی شود، در حالی که ۳۷ درصد از گروه بزرگسال و ۲۰ درصد از گروه اول مخالف و کاملاً مخالف این گویه بوده‌اند.

۷-۲-۱. بررسی تفاوت دو گروه مطالعاتی در اخذ تکالیف دینی

وقتی از پاسخگویان پرسیده شد که تکالیف دینی‌شان را از کجا می‌گیرند، در گروه اول یعنی افراد زیر ۳۰ سال، اولویت‌ها به‌ترتیب عبارت بودند از: ۵۲ درصد قرآن، ۲۴ درصد تشخیص خود، ۲۰ درصد مدارس و ۹ درصد رساله‌های عملیه. چنان‌که می‌بینیم، اولویت‌دادن به قرآن و به تشخیص خود در گروه نخست تقریباً برابر است. در گروه دوم یعنی افراد بالای ۵۰ سال، اولویت‌ها به‌ترتیب چنین بودند: ۵۴ درصد قرآن، ۴۴ درصد رساله‌های عملیه مراجع و کمتر از ۳ درصد تشخیص خود. به‌عبارت‌دیگر، در گروه سنی زیر ۳۰ سال، تشخیص خود برای گرفتن منابع دینی بعد از قرآن از اولویت‌های اول است. ۱۸ درصد از همین گروه که اولویت اولشان قرآن بود، تشخیص خود را به‌عنوان اولویت دوم ذکر کردند و این نسبت‌ها در اولویت‌های سوم و چهارم ۹ درصد بوده است؛ در حالی که در گروه دوم، نسبت تشخیص خود در اولویت‌های بعدی نیز ناچیز و در حد ۳ درصد بیان شده است. رساله‌های عملیه مراجع به‌عنوان اولویت دوم ۱۲ درصد در گروه اول و ۸ درصد در گروه دوم ذکر شده است. این امر نشان‌دهنده این است که

دینداری خودتشخیصی در نسل‌های بعدی انقلاب در حال افزایش است و دیگر رجوع به رساله‌های عملیه مراجع در حال کمرنگ شدن است.

۷-۲-۲. بررسی تفاوت دو گروه مطالعاتی در استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی

در خصوص استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی، ۷۳ درصد از پاسخگویان گروه اول پنج سال و بیش از پنج سال و ۴۶ درصد از گروه دوم بیش از پنج سال است که از اینترنت استفاده می‌کنند. ۵ درصد از پاسخگویان گروه اول از فیس‌بوک و ۵ درصد حدود پنج سال است که از تلگرام استفاده می‌کنند. در گروه دوم میزان آن ۴ درصد و شبکه اجتماعی واتساپ بود. چهار سال است که ۹ درصد از پاسخگویان گروه اول از تلگرام، ۸ درصد اینستاگرام، ۸ درصد واتساپ و ۶ درصد از فیس‌بوک استفاده می‌کنند. در گروه دوم بیشترین استفاده چهار سال از واتساپ بود و میزان آن ۳ درصد ذکر شد. ۵۰ درصد از پاسخگویان گروه اول و ۳۱ درصد از پاسخگویان گروه دوم در سه سال گذشته از شبکه اجتماعی تلگرام استفاده کرده‌اند. همین‌طور در گروه اول سه سال است که ۱۵ درصد از شبکه اجتماعی تانگو، ۱۵ درصد از اینستاگرام و ۱۱ درصد نیز از واتساپ استفاده می‌کردند؛ اما در گروه دوم بیشترین استفاده بعد از تلگرام، واتساپ با ۲۰ درصد استفاده و اینستاگرام با ۳ درصد بوده است. در گروه اول ۲ سال است که ۲۰ درصد از شبکه اجتماعی واتساپ، ۱۹ درصد تلگرام، ۱۲ درصد لاین، ۱۰ درصد اینستاگرام، ۱۰ درصد وایبر، ۸ درصد لینکدین و ۶ درصد توئیتر استفاده می‌کرده‌اند؛ اما در گروه دوم بیشترین استفاده در دو سال اخیر، ۱۲ درصد تلگرام، ۱۰ درصد اینستاگرام و ۸ درصد واتساپ بوده است. بررسی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بین دو گروه نشان‌دهنده این است که به‌رغم پایین بودن سن گروه اول، آشنایی آنها با این شبکه‌ها و میزان استفاده آنها از این شبکه‌ها بیشتر از گروه سنی دوم است.

۷-۳. نتایج آزمون فرضیه‌ها

جدول ۱۰. آزمون مقایسه میانگین دو گروه مورد مطالعه

خوداتکایی یا مرجعیت‌گرایی	سن	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	انحراف استاندارد
مناسک دینی	گروه اول - تا سی سال	۲۰۵	۱۶/۸۲	۶/۱۳۵	۴/۲۸
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۱۲/۵۲	۴/۳۷۳	۳/۲۰
گرفتن فرمان‌های دینی	گروه اول - تا سی سال	۲۰۵	۱۲/۵۶	۶/۰۸۶	۴/۲۵
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۸/۶۷	۴/۱۷۱	۳/۰۵
انعطاف دینی	گروه اول - تا سی سال	۲۰۵	۹/۲۱	۴/۲۳۵	۲/۹۶
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۷/۳۹	۲/۹۳۷	۲/۱۵
اخلاق	گروه اول - تا سی سال	۲۰۵	۱۰/۵۷	۳/۹۰۵	۲/۷۳
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۸/۸۲	۳/۲۲۱	۲/۳۶
پذیرش ادیان	گروه اول - تا سی سال	۲۰۳	۸/۳۸	۳/۵۸۹	۲/۵۲
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۶/۳۲	۲/۵۴۷	۱/۸۶
مرجعیت سنت یا عقلانیت	گروه اول - تا سی سال	۲۰۴	۷/۳۳	۴/۲۰۳	۲/۹۴
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۹/۷۴	۲/۷۶۹	۱/۰۲
مرجع اخذ اطلاعات	گروه اول - تا سی سال	۲۰۵	۱۵/۹۳	۹/۶۸۷	۱/۶۷۷
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۸/۰۷	۹/۰۸۹	۱/۶۶۵
خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی	گروه اول - تا سی سال	۲۰۵	۶۴/۷۵	۱۸/۳۵۱	۱/۲۸۲
	گروه دوم - بیش از پنجاه سال	۱۸۷	۵۳/۴۷	۱۲/۳۸۶	۱/۰۶

جدول شماره ۱۰ آزمون مقایسه میانگین دو گروه مورد مطالعه را نشان می‌دهد که برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر متغیر(ها) در وضعیت خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی استفاده می‌شود. این جدول نشان‌دهنده میانگین انحراف معیار و انحراف استاندارد میانگین دو گروه مطالعاتی است که در آزمون فرضیه‌ها بررسی می‌شود.

جدول ۱۱. فرض نابرابری واریانس فرضیه‌ها

آزمون تی		آزمون برای نوع واریانس		فرضیه‌ها
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	t	F	(خوداتکایی یا مرجعیت‌گرایی)
/۰۰۰	۳۶۸/۹۸۰	۰۳۴/۸	۴۰/۲۰۴	مناسک دینی
/۰۰۰	۳۶۲/۶۸۲	۴۳۱/۷	۳۷/۹۵۵	فرمان دینی
/۰۰۰	۳۶۴/۶۵۸	۹۹۲/۴	۳۳/۲۸۹	انعطاف دینی
/۰۰۰	۳۸۶/۱۷۱	۸۴۹/۴	۱۰/۵۸۵	خصوص اخلاق
/۰۰۰	۳۶۴/۸۳۹	۵۷۱/۶	۲۶/۱۴۹	پذیرش ادیان
/۰۰۰	۲۵۴/۰۹۵	-۷۴۸/۶	۴۲/۳۴۳	سنت یا عقلانیت
/۰۰۰	۳۸۹/۶۸۵	۲۸۴/۸	/۷۴۹	اخذ اطلاعات
/۰۰۰	۳۶۰/۱۲۴	۱۹۱/۷	۳۷/۱۵۴	خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی دینی

جدول شماره ۱۱ به مبحث آزمون فرضیات تحقیق اختصاص دارد. در این بخش، با توجه به مقیاس و سطح سنجش داده‌ها، انواع آزمونهای آماری پارامتری و ناپارامتری متناسب برای آزمون فرضیه‌ها به کار گرفته می‌شوند. مهم‌ترین آزمونهای آماری پارامتری مورد استفاده شامل T.Test با دو نمونه مستقل و F یا تحلیل واریانس یک‌طرفه بودند.

۷-۳-۱. بررسی فرضیه تفاوت طیف خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی دینی در دو گروه مورد مطالعه پیش فرض صفر (H_0): بین طیف خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی دینی در دو نسل پس از انقلاب، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

پیش فرض مقابل (H_1): بین طیف خوداتکایی و مرجعیت‌گرایی دینی در دو نسل پس از انقلاب، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

برای طرح آزمایش مورد نظر در این فرضیه، به دلیل اینکه متغیر وابسته به شکل فاصله‌ای است و می‌خواهیم تفاوت آن را در دو گروه اسمی، به شکل جامعه مستقل تحلیل کنیم، از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل استفاده می‌کنیم. «یکی از موارد مهم قضاوت آماری، مقایسه میانگین‌های به‌دست‌آمده از نمونه‌های تصادفی است، بدین معنی که از دو جامعه مختلف نمونه‌هایی اعم از اینکه تعداد نمونه‌ها مساوی یا نامساوی باشد، به‌طور تصادفی انتخاب و میانگین‌های دو جامعه فوق را با هم مقایسه کنیم» (منصورفر، ۱۳۸۲: ۲۰۱). برای تحلیل ابتدا بایستی از واریانس برابر و یا نابرابر استفاده شود. برای کشف این موضوع باید به مقدار سطح معنی‌داری در آزمون F توجه کنیم. با توجه به مقدار سطح معنی‌داری حاصل از آزمون (F $sig[2-tailed] = 0.00 < 0/05$)، نتیجه نشان می‌دهد که باید به سراغ واریانس نابرابر

برویم. مقدار T حاصل ($t_{360} = 1.96 < |t| = 7.191$) و سطح معنی‌داری ($sig[2-tailed] = 0/000 < 0/05$) نشان می‌دهد که فرض صفر رد می‌شود. با توجه به نتایج گرفته‌شده در جداول (۱۰ و ۱۱)، آزمون بقیه فرضیه‌ها نیز حاکی از این است که فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی وجود تفاوت معنی‌دار بین طیف خوداتکایی در مناسک دینی در دو نسل پس از انقلاب به‌خوبی روشن است.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتیجه این پژوهش، تغییرات در نوع دینداری در میان نسل جوان در حال شکل‌گیری اند و این تغییر حتی در نسل‌های اولیه نیز در حال گسترش است. وجه تمایز این تغییر نسبت به گذشته این است که هم شتاب بیشتری دارد و هم حوزه‌های بیشتری از زندگی دینی را در بر گرفته است. تغییرات دینداری متأثر از حوزه‌هایی هستند که با گسترش ارتباطات، در معرض تغییرات اساسی و شتابان قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که با تغییر نسل، الگوهای دینداری نیز تغییر یافته‌اند. در حوزه اطلاع‌رسانی، استفاده از ابزار اطلاع‌رسانی، ویژگی هر دو گروه مورد مطالعه است؛ اما در مجموع تفاوت‌هایی نیز میان آنها دیده می‌شود. گروه دوم فعالیتهای گرفتن اطلاعات خود را بیشتر به صورت سنتی پیگیری می‌کنند؛ اما در گروه اول (جوانان زیر سال)، فناوری‌های جدید از جایگاه خاصی برخوردارند.

در مجموع، مشاهدات میدانی مؤید این هستند که جوانان زیر ۳۰ سال بیش از گروه‌های دیگر پذیرای تغییرات و خود از پیشگامان تغییرند. تغییر در عملکرد و اندیشه این گروه قطعاً موجب بروز تغییراتی در نحوه دینداری می‌شود و به پیدایش قواعد و هنجارهای جدیدی می‌انجامد که بر دینداری سایر بخش‌های جامعه نیز ممکن است اثر بگذارد؛ بنابراین دینداری در آینده با الگوهای متفاوتی ظاهر و با قواعد رفتاری جدیدی نمایان خواهد شد که با رفتارهای دینی سنتی کاملاً متفاوت‌اند. نتایج نشان‌دهنده این هستند که دینداری کلی در میان دو گروه مورد مطالعه رو به کاهش نیست، بلکه شکل و تنوع آن در حال تغییر است. این تغییرات در میان گروه اول در بُعد مناسک، اخلاق، فرامین دینی، عقلانیت و منابع اخذ تکالیف دینی به‌مراتب و بسیار بیشتر از گروه دوم مطالعاتی است. این وجه، یکی از غالب‌ترین وجوه تفاوت میان دو نسل در شیوه دینداری بوده است. در این موارد، شدت تفاوت در بین دو گروه بیش از سایر موضوعات است. در مورد وضعیت دو گروه در موضوعات اخلاق، انعطاف دینی و پذیرش ادیان، اگرچه می‌توانیم از تفاوت معنی‌دار میان نسل‌ها سخن بگوییم، اما بی‌تردید شدت تفاوت به آن حد نیست که بتوانیم آن را شکاف دینی بنامیم. فاصله نسلی به تفاوت‌های تا حدی عمیق میان نسل‌ها در مورد مقولات مختلف اشاره دارد. به بیان دیگر، فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجارب، ارزشها و هنجارها و به‌طور کلی، به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. در مورد تغییرات دینداری در سه موضوع بالا نیز در حالت کلی می‌توانیم به وجود فاصله نسلی اشاره کنیم. به‌طور کلی با توجه به نتایج این پژوهش می‌توانیم بگوییم که دینداری سنتی که متضمن پایبندی افراد به تمام ابعاد دینداری است، در بین نسل

جوان رو به کاهش است و با توجه به شرایط ایجادشده، روند تغییرات دینداری در میان این نسل بیشتر است و نوعی دینداری که میل به فردی شدن یا حتی شخصی شدن دارد، در حال رشد است. نتایج این تحقق نشان می‌دهند که خوداتکایی دینی در نسل جدیدتر به مراتب بیشتر از نسل‌های قبلی است. براساس نتایج این تحقیق می‌توانیم بگوییم که به احتمال زیاد، دگرسالاری دینی در ایران معاصر به سرعت در حال تضعیف و دینداری شریعتمدارانه که متکی بر این نوع دگرسالاری است، رو به زوال است.

پیشنهاده‌ها

براساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین پیشنهادها عبارت‌اند از:

(۱) پذیرش تغییر قالب‌ها و باورهای رسمی و سیستمی دین و پرهیز از تبلیغ دین به شکلی ابزارانگارانه و کالایی‌شده؛ پذیرش گرایش به همزیستی با تنوع دینداری و حمایت از فضاهای تنوع و تکثر و انعطاف‌پذیری دینی و نفی افراطی‌گری و انحصارگرایی دینی و ارائه آموزه‌های دینی همراه با گفت‌وگو و اظهارنظر، نه فقط بیان یک‌طرفه یا پرسش و پاسخ؛ و اجازه گذار از نگرش سنتی به دین با تغییر درک‌ها از دین، مفاهیم دینی و دینداری.

(۲) به منظور مقایسه دقیق‌تر تغییر و تحولات دینی در میان نسل‌های انقلاب، پیشنهاد می‌شود که مطالعات کمی و کیفی دیگری در سایر نقاط کشور انجام شوند. در این صورت تفاوت‌های مشاهده‌شده بین دو جامعه تحت تأثیر «عامل گذشت زمان و مکان»، بررسی خواهند شد.

منابع و مأخذ

- اسدی‌شیا، مریم (۱۳۹۰). **بررسی انواع دینداری زنان در شهرستان آمل؛ مقایسه دینداری دختران دهه ۶۰ با دینداری مادرانشان**، پایان‌نامه، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.
- امر، رابرت‌روزول (۱۳۸۳). **تاریخ جهان**، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۶). **مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان**، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- باستانی، سوسن؛ شریعتی، سارا و خسروی، بهناز (۱۳۸۸). «مروّجان رفتارهای نوین دینی: مطالعه موردی جمع‌هایی با رویکرد روان‌شناسی و عرفان»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۶: ۱۲۳-۸۷.
- برگر، پیتر و لاکمن، تامس (۱۳۸۷). **ساخت اجتماعی واقعیت**، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- برگر، پیتر؛ بریجیت، برگر و هانسفرید، کلنر (۱۳۸۱). **ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی**، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- حسن‌پور، آرش و ثریا معمار (۱۳۹۴). «وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، شماره ۳: ۱۳۱-۹۹.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۲). **صور ابتدایی حیات دینی**، ترجمه نادر سالارزاده‌امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، چاپ دوم، دوره جدید، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ربانی، رسول؛ صفایی‌نژاد و فتحیان (۱۳۸۴). «فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره ۱۹: ۴۰-۲۱.
- رحیمی، محمد (۱۳۹۰). **عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین‌نسلی، مطالعه موردی شهر خلخال**، پایان‌نامه، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- سروش، عبدالکریم و دیگران (۱۳۸۸). **سنت و سکولاریسم**، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۹). **بررسی تجربی دینداری دانش‌آموزان کشور**، تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۱). «تغییر الگوهای دینداری»، **مهرنامه**، شماره ۲۴: ۱۹۶-۱۹۵.
- کانت، امانوئل. روشنگری چیست؟ ترجمه صدیق رهپو طری، موجود در نشانی: <http://www.khorshed.org/?p=9821>
- محدثی، حسن (۱۳۸۵). «تأملی در اقتدار بیرونی هنجارهای دینی، حجاب و مدرنیته»، **روزنامه کارگزاران**، شماره ۱۱: ۵۳.
- محدثی، حسن (۱۳۸۶). «آینده جامعه قدسی: امکانات و چشم‌انداز اجتماعی - سیاسی دین در ایران پس‌انقلابی»، **نشریه جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۱: ۸۰-۵۶.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۴: ۷۹-۵۵.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۲). **روشهای آماری، چاپ ششم**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ویلیم، ژان (۱۳۷۷). **جامعه‌شناسی ادیان**، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: تیبان.

- Bilsky W, Schwartz S. H; Values and personality ; Journal of Personality, Vol. 8, 1994.
- Schwartz, S. H. (1994). Are there universal aspects in the structure and contents of human values? Journal of Social Issues, 50:19-45
- John Sinclair & other (2013) Cobuild English dictionary. United Kingdom: University of Birmingham, P99-100
- Taylor, Charles. A Secular Age. Belknap Press. 2007.

